




مدل نظری تاثیر بستر جغرافیایی و زیست بوم منطقه در تعیین معجزه ناقه صالح علیه السلام

سپیده سمیه خاتمی^{۱*} 

محمدعلی اسدی^۲ 

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.526846.1471> 

مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۸-۰۳-۱۴۰۴
بازنگری: ۲۷-۰۵-۱۴۰۴
پذیرش: ۰۴-۰۶-۱۴۰۴
انتشار آنلاین: ۲۴-۰۸-۱۴۰۴

چکیده

از معجزاتی که در قرآن چندین بار مورد تأکید قرار گرفته معجزه حضرت صالح علیه السلام در بیرون آوردن ناقه از کوه می‌باشد. مسأله اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا قرآن کریم به مقوله تأثیر جغرافیا در تعیین نوع اعجاز الهی (ناقه) پرداخته است، فناوری‌های جغرافیایی چگونه در تعیین اعجازی خاص می‌تواند مؤثر باشد. روش این پژوهش رویکرد داده بنیاد است که از روش نظریه-پردازی داده محور استفاده گردیده و با کشف مقوله‌های فرعی نسبت به مقوله اصلی این مدل شکل گرفته است با استفاده از داده‌های موجود در آیات شریفه قرآن کریم و گزارشات مطرح از آثار جغرافیدانان از این منطقه می‌توان به سه مقوله محوری از حداقل شصت و یک داده بدست آمده، دست یافت که حاکی از آن است که ویژگی‌های جغرافیایی منطقه حجر با اعجاز ناقه ارتباط دارد چرا که حجر منطقه‌ای کوهستانی است و مردم این منطقه، مهارت بالایی در سنگ تراشی داشتند علاوه بر اینکه در بین مردم این منطقه، شتر دارای اهمیت بسیار بالایی بوده است. هسته محوری با فراهم شدن بسترهای لازم، پیامدهای خوبی (نظیر، اثبات فرا زمانی بودن قرآن کریم با پیشرفت علم یا بکارگیری علوم مختلف در راستای اهداف قرآن) برای فهم انتخاب نوع معجزه ناقه متناسب با عوامل جغرافیای انسانی ایجاد می‌نماید و بالطبع موجبات آشکار شدن ارتباط عمیق بین معجزات انبیاء و شرایط روز محیطی و اثبات فرا زمانی بودن قرآن کریم می‌گردد. با این وجود برای دست یافتن به پیامدها نیاز به برنامه‌ریزی دقیق در ثبت پروژه‌های تحقیقاتی مطالعات بین رشته‌ای جغرافیا و قرآن توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: قرآن حکیم، بستر جغرافیایی، ناقه صالح، قوم ثمود.

استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام، (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۰-۰۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.526846.1471>

۱. استادیار منابع اسلامی قرآن و نهج البلاغه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. (نویسنده مسئول).
shkhatami56@gmail.com

۲. استاد تمام گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

مقدمه

معجزات پیامبران کارهای خارق العاده‌ای بوده است که پیامبران آنها را برای اثبات راستی ادعای خود ارائه می‌نمودند. انبیاء معجزاتی را که می‌آوردند، بدین عنوان بود که معجزه امری است که جز خدای - عزّ و جلّ - همه از آوردن آن عاجزند؛ و این، گواه صدقی بر دعوی ایشان است که می‌گویند از جانب خدای جهان به سوی بندگان او مبعوث و برانگیخته شده، یا پیغامی آورده‌اند. خدای متعال در قرآن اغلب که به اعجاز های الهی می‌پردازد، به مکان زندگی یا ویژگی هایی که متأثر از بستر جغرافیایی آن منطقه میباشد نیز مستقیم یا غیر مستقیم اشاره می‌کند.

نوع معجزه	مکان مورد وقوع
معجزات حضرت موسی علیه السلام (تبدیل عصا به اژدها-ید بیضا)	مصر-زخرف ۴۶ تا ۵۱
شکافتن دریا (حضرت موسی علیه السلام)	بحر، دریای سرخ-یونس، ۵۰ بقره: ۹۲
بلند شدن کوه طور	طور، صحرای سینا - ۶۳ و بقره: ۹۳
جوشیدن چشمه در هنگام تولد حضرت عیسی (علیه السلام)	سری-بیت لحم جنوب اورشلیم (مریم: ۲۴)
خواب طولانی (اصحاب کهف)	کهف-رقیم (نزدیک اردن) کهف: ۹
سخن گفتن حضرت سلیمان با مورچگان	وادی النمل (عسقلان-فلسطین) نمل: ۱۸
معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله)	مسجد الحرام-مسجد الاقصی (عربستان-فلسطین) اسراء: ۱
شروع وقوع طوفان (حضرت نوح علیه السلام)	تنور (کوفه-عراق) هود: ۴۰-۲۷ مومنون
زنده شدن عزیز پیامبر پس از ۱۰۰ سال	قریه- (هرقیل نزدیک بیت المقدس) بقره: ۲۵۹
مسخ به میمون در اثر عذاب قوم سبت	قریه- (ایله ساحل دریای سرخ) اعراف: ۱۶۳
وقوع طوفان شن عذاب بر قوم عاد	اودیه-احقاف (یمن) احقاف: ۱ و ۲۴

جدول ۱- برخی از معجزات مطرح شده که مکان آنها در قرآن بیان گردیده

سوالی که در بررسی آن اعجاز الهی گاهی به ذهن می‌رسد آن است که به چه دلیل خدای متعال به صورت دقیق مکان یک معجزه را مورد توجه قرار داده است، بررسی مکان چه اثری بر شناخت بیشتر آن اعجاز الهی دارد و اگر مخاطبان قرآن متوجه این موضوع گردند چه پیامی برای جامعه امروز دارد؟ یا چه اسراری از قرآن آشکار می‌گردد؟ به نظر می‌رسد با توجه به انواع معجزات انبیاء، مطالعات جغرافیایی یک منطقه میتواند در رسیدن به پاسخ به سوالاتی از قبیل اینکه چرا این نوع از معجزه الهی رخ داده است، و یا چه ارتباطی بین این رخداد و جغرافیای طبیعی و انسانی وجود دارد؟ چرا معجزه هر پیامبر با سایر پیامبران متفاوت بوده است؟ کمک کننده باشد. امری که به عنوان یک موضوع بین رشته ای میتواند کمک شایانی در پیدایش روشهای نوین دین پژوهی در دوران معاصر داشته باشد. بنابراین همانگونه که باز شناسی و بررسی ویژگی های جغرافیایی یک منطقه می‌تواند در ذیل مباحث تفسیر تربیتی و با روش های به کار رفته در این رشته نو پدید می‌تواند به دریافت معارفی عمیق از قرآن کریم در جهت تزکیه و تربیت فرد و جامعه کمک نماید. شناخت بک مکان نیز می‌تواند بر فهم از تعیین نوع اعجاز الهی موثر باشد. (خاتمی، ۱۴۰۱، ص ۹۱)

مساله اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال اصلی است که آیا قرآن کریم به مقوله تاثیر جغرافیا در تعیین نوع معجزه الهی توجه داشته است؟ که در این راستا برای نتیجه گیری بهتر به صورت جزئی و بر یک اعجاز خاص تکیه شده است. در وهله بعد مفهوم علم جغرافیا و تفسیر جغرافیایی بیان گردیده و این سوال مطرح می‌شود که بسترهای شکل گیری تاثیر تفسیر جغرافیایی بر نوع اعجاز ناهه چه می‌تواند باشد؟ عوامل شکل دهنده و تسهیل گر در این امر چه مواردی می‌تواند باشد؟

لازم به ذکر است، بررسی علمی مکانهای ذکر شده در تورات و انجیل از دیر زمانی است که به عنوان دلیلی بر حقانیت این ادیان برای پیروان کتاب مقدس به کار گرفته شده است و این در حالی است که بررسی‌های علمی بیش‌تر نشان می‌دهد، همواره کامل‌ترین سخن را در این مکانها در کتابی که از ناحیه خدای متعال بر پیامبر گرامی اسلام نازل گردیده می‌توان یافت (خاتمی، ۱۴۰۲، کرسی نوآوری) و این موضوع می‌تواند وسیله‌ای باشد در جهت روشن شدن هر چه بیشتر قرآن و اسلام به انسانهایی که با روش‌های نوین امروزی به دنبال فهم حقانیت این دین الهی هستند. تا بتوان به اثبات بیشتر فرازمانی بودن قرآن کریم دست یافت. این مقاله با بیان هدف مذکور به طور خاص به یکی از معجزات پیامبران و تاثیر مطالعات جغرافیایی کنونی بر روی آن پرداخته است تا بتواند نشان دهد که تمدن قرآنی در مقایسه با دیگر تمدن‌ها، همواره برتری داشته و دارد.

پیشینه پژوهش

در آثار گذشتگان در کتب تفسیری به شرح و تفسیر آیات گاهی با نگاه جغرافیایی پرداخته شده است و در کتابهای جغرافیایی قدیم نیز به مقتضای هدف آن کتاب به شکل پراکنده به بیان حدود مناطق مختلف از جمله مناطق نامبرده در قرآن پرداخته شده است، اما از آثاری که به شکل غیر مستقیم در دو حوزه جغرافیا و قرآن در دوران معاصر نگاشته شده است، و نیز آثاری که به حوزه معجزات قرآن پرداخته است، که بر اساس درجه اهمیت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- کتاب «معجم اماکن جغرافیایی قرآن مجید» از آقای محمد حسن عرب کتابی است که به بررسی اماکنی که در قرآن مجید ذکر شده به صورت اجمالی پرداخته است و در این مقاله از موضوع مکان «حجر» در این کتاب کمک گرفته شده است.

- کتاب «باستان شناسی قوم ثمود» از آقای ون دن براندن که از طریق سنگ نگاشته‌های موجود در سرزمین عربستان و به خصوص منطقه حجر به بیان اطلاعاتی از محل سکونت، موقعیت اجتماعی، دین و آیین قوم ثمود و مجموعه‌ی خدایان آنها می‌پردازد.

- کتاب «باستانشناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن» از آقای عبد الکریم بی آزار شیرازی

- مقاله «آراء مختلفه حول نظره القرآن الکریم للعوامل الجغرافیه فی القصص، طباطبایی امین، احمدیان، مجله دراسات فی العلوم الانسانیه». این مقاله بیان می‌دارد که درباره نگرش قرآن به عوامل جغرافیایی در داستان‌ها نظرات مختلفی وجود دارد. نظر اول معتقد است که قرآن به جزئیات جغرافیایی اهمیت نداده است، در حالی که نظر دوم معتقد است که به عمد به مسایل جغرافیایی توجه کرده است که این همان نظر مورد تایید در این مقاله است.

- کتاب چشم اندازی به معجزات پیامبران (از منظر قرآن و تاریخ)، عبدالمنعم هاشمی در این کتاب، معجزات پیامبران الهی از منظر آیات قرآنی و تاریخ شرح و تبیین گردیده است. و در این مقاله بخش مربوط به شتر صالح (علیه السلام) مورد استناد است.

- کتاب «الخرائج و الجرائح»، قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، متوفای ۵۷۳ هجری، ت. محمد شریف خادم (در این کتاب انواع مختلف معجزات را آورده شده است که در این مقاله از اعجاز ناقه صالح در این کتاب کمک گرفته شده است.)

با وجود تلاش بسیار خوبی که نویسندگان محترم در این زمینه داشته‌اند، وجه تمایز این مقاله با این آثار ارزشمند در بررسی تخصصی ارتباط مکان یک اعجاز الهی با جهت‌گیری در نوع اعجاز می‌باشد. چرا که امروزه با پیشرفت علم جغرافیا و تقسیمات آن در هر شاخه از این علم و سپس بررسی این خصوصیات در مکان نامبرده در قرآن می‌توان به اطلاعات دقیق و جالب توجهی از این مکان دست پیدا کرد که این موضوع در تفسیر آیات قرآن و بخصوص رفع ابهام موجود در این آیات که مورد اختلاف مفسرین در طول قرن‌ها می‌باشد تاثیر بسزایی دارد.

مبانی نظری

-تعریف علم جغرافیا: جغرافیا علم بررسی روابط متقابل انسان و محیط طبیعی برای بهبود زندگی بشر است. دو قطب اصلی علم جغرافیا از عوامل محیط طبیعی و فرهنگ جوامع انسانی تشکیل شده است. لذا بر همین اساس می‌توانیم علم جغرافیا را به دو بخش جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی تقسیم کنیم. (شکویی، ۱۳۸۷، ص ۲۴). جغرافیای طبیعی به ژئومورفولوژی، آب و هواشناسی، جغرافیای آب‌ها، جغرافیای زیستی، و جغرافیای خاکها تقسیم می‌شود و جغرافیای انسانی به جغرافیای تاریخی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای فرهنگی و رفتاری، جغرافیای جمعیت، جغرافیای نظامی و جغرافیای روستایی تقسیم می‌شود. علاوه بر اینکه امروزه فنون جغرافیایی نظیر سنجش از راه دور و روشهای کمی نظیر آمار و فناوری اطلاعات و نقشه‌کشی می‌تواند به مسائل علم جغرافیا پاسخ دهد.

تعریف بستر زیست محیطی: بستر زیست محیطی به معنای محیط و شرایطی است که یک موجود زنده یا یک جامعه زیستی در آن زندگی می‌کند و با آن تعامل دارد. این بستر شامل عوامل فیزیکی، شیمیایی و زیستی مختلفی است که بر موجودات زنده و وقایع ایجاد شده پیرامون آنها تأثیر می‌گذارند و شامل خاک، آب، هوا، نور، دما و سایر موجودات زنده می‌شود.

تعریف تفسیر جغرافیایی: مطالعات و مباحث میان رشته ای قرآن و جغرافیا به عنوان مبحثی از مباحث قرآن و علوم، از سویی می‌تواند ذیل یکی از روش‌های تفسیری جای گیرد، چرا که یکی از شش روش تفسیر قرآن (قرآن به قرآن، روایی، عقلی، اشاری، علمی و اجتهادی جامع) روش تفسیر علمی قرآن است. و از سویی جزء گرایش‌های تفسیری است چرا که تفسیرهای علمی با توجه به تخصص مفسر رنگ خاصی می‌گیرد و به همین دلیل مباحث میان رشته ای قرآن و علم مانند تفسیرهای تربیتی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و .. شکل می‌گیرد که هر کدام شاخه‌ای از گرایش‌های تفسیری را شکل می‌دهد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۸، ص ۷) بنابراین روش تفسیر جغرافیایی با مبانی روشن و معین می‌تواند کمک شایانی در حل مسایل قرآن و جهت دهی علم جغرافیا داشته باشد.

روش شناسی

روش اصلی این پژوهش نظریه زمینه ای است، نظریه زمینه ای شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که با استفاده از یک دسته داده ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد به طوری که این نظریه در سطحی وسیع، یک فرایند عمل یا تعامل را تبیین می‌کند. برای تحلیل داده‌ها از سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است و البته به ابعاد دیگر مطلب که شامل شرایط، تعاملات و پیامدها می‌باشد، نیز به عنوان الگوی پارادایمی توجه می‌نماید. در روش نظریه زمینه‌ای محقق ممکن است داده‌ها را از طریق مصاحبه و مشاهده نیز بدست آورد اما این تنها راه بدست آوردن داده‌ها در این روش نیست و می‌توان با مراجعه به اسناد، یا ترکیبی از این منابع جمع‌آوری نماید. (محمد پور، ۲۰۱۳، ص ۳۲۱) در اینجا به تفکیک، نوع داده‌ها و روش تحلیل و کدگذاری تعریف می‌گردد.

نوع داده‌ها: در این مقاله شامل، آیات قرآن، متون تفسیری، کتب جغرافیایی تاریخی، منابع معاصر درباره منطقه حجر و قوم ثمود و منابع استنادی در علم جغرافیا، اعم از مقالات، نقشه‌ها و عکس‌های ماهواره‌ای و تحقیقات میدانی می‌باشد. به منظور گردآوری داده، با مرور آیات مرتبط با موضوع، ۲۲۳ آیه مربوط به اماکن جغرافیایی، شناسایی گردید. علاوه بر اینکه در میان مجموعه آیات قرآن ۶۱ آیه مربوط به قوم حجر و ثمود نیز مورد بررسی قرار گرفت و هر کدام کد یا کدهای لازم را دریافت کرده‌اند، ولی به جهت محدودیت حجم مقاله، فقط به نمونه‌ای از آیات و کدهای داده شده به آنها، به صورت بسیار خلاصه اکتفا گردیده است و نیز از آیات قرآن هم به ظاهر آیات و هم تفاسیر معتبر به کار رفته با توجه به دانشمندان تفسیری و صاحب‌نظران حوزه جغرافیایی مراجعه گردید و داده‌های جمع‌آوری شده نیز

گاهی مستقیم به موضوع ارتباط دارد و گاهی غیر مستقیم و به این معنا نیست که تمام داده‌ها فقط و فقط مختص به اماکن جغرافیایی باشد و در موضوعات دیگر کاربرد نداشته باشد بلکه همه مواردی گردآوری گردیده که به نوعی مستقیم یا غیر مستقیم به تفسیر جغرافیایی مرتبط می‌باشد. از آنجایی که یافتن داده از قرآن منوط به فهم شاخص و اصول کلی مربوط به تفسیر جغرافیایی در قرآن می‌باشد، ابتدا این موارد لازم است گردآوری گردد و سپس نزدیکی و قرابت تفسیر جغرافیایی با آنها مورد بررسی قرار گیرد. در بخش تحلیلی از تحلیل متنی و محتوایی، تحلیل تفسیری و تحلیل تطبیقی میان آیات قرآن و داده‌های جغرافیایی استفاده گردیده است.

مراحل کدگذاری (باز، محوری، انتخابی): در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه و در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده همراه با مقوله هسته استخراج می‌شود و در مرحله کدگذاری انتخابی که همراه با بررسی دقیق داده‌ها و کدبندی در مرحله قبلی است، پژوهشگر به تحلیل داده‌ها می‌پردازد و آن‌ها را در قالب نظریه‌ای ارائه می‌دهد.

یافته‌های پژوهش در شکل یک (انتهای مقاله) نمایش داده شده است که شامل سه مقوله محوری و یک پدیده محوری است، هر یک از سه مقوله محوری در ادامه توصیف می‌شود، آنچه در ذیل هر مقوله بیان می‌گردد، مفاهیمی است که در کدگذاری باز به تولید آن مقولات منجر گردیده است. ابتدا داده‌های دریافت شده در آن مقوله در جهت تاثیر مطالعات جغرافیایی از قرآن بیان می‌گردد و سپس داده‌های دریافت شده از سایر اسناد و مدارک بیان می‌گردد. در انتهای هر مقوله، جدول خلاصه اجمالی از آن مقوله بیان می‌گردد.

۳- مقوله اول: وقوع اعجاز الهی حضرت صالح؛ در سرزمین حجر

در رحله‌ی ابن بطوطه در توصیف موقعیت حجر چنین آمده است: «روز پنجم قافله به بئر الحجر می‌رسد. مقصود از حجر همان حجر ثمود است، چاهی که در این جا واقع است آب زیادی دارد، لیکن مردم با همه‌ی نیازمندی از آب آن استفاده نمی‌کنند، چه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در غزوه تبوک بر سر آن چاه فرود نیامد و اجازه هم نداد که کسی از آب آن بخورد و کسانی که با آن آب خمیر کرده بودند آن را به شتران خوراندند. در این جایگاه دیار ثمود شروع می‌شود. این خانه‌ها را در کوهستانی از سنگهای سرخ رنگ تراشیده و آستانه در خانه‌ها را به نقش و نگار بر آورده‌اند چنان که گوئی تازه از زیر دست صنعتگر بیرون آمده باشد. استخوانهای آن قوم درون خانه‌هاشان پوسیده و مایه عبرت آیندگان گردیده است. در این محل بین دو کوه خوابگاه ناقه صالح واقع شده و در آنجا آثار مسجدی هست که مردم در آن نماز می‌گزارند. بین حجر و العلا بقدر نصف روز یا کمتر فاصله می‌باشد. «العلا» روستائی است بزرگ و نیکو که نخلستان‌ها و آب‌های جاری دارد.» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۴۸)

یاقوت نیز در این باره می‌گوید: «اثالث بر وزن جمع، نام کوه‌هایی است در دیار ثمود، در حجر نزدیک وادی القری، آیه [و تَنْجُتُونَ مِنَ الْجِبَالِ - از کوه‌ها، خانه‌های زیبا می‌کنند] درباره آن آمده است. کوه‌هایی است که از دور یک پارچه کوه دیده می‌شود ولی چون بیننده نزدیک آنها شود آنها را جدا می‌بیند و می‌تواند به گرد هر یک بگردد.» - (حموی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۰) در جایی دیگر می‌گوید: «حجر نام دیار ثمود در وادی القری میان مدینه و شام هست.» (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۱۴۳)

با بررسی که در روایات انجام می‌گیرد، این محل منطبق بر محلی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در هنگام سفر به تبوک از آنجا گذشته‌اند، چرا که در زمان حرکت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به تبوک، فاصله‌ی آن را با وادی القری (العلا کنونی) نصف روز بیان کرده‌اند. (مسعودی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۹۲)

اولین مقوله مقوله‌ای است که نشان می‌دهد اعجاز الهی حضرت صالح علیه السلام؛ در سرزمین حجر واقع گردیده است، این مقوله از مفهوم های زیر به دست می‌آید:

۱-۳- مفهوم اول: قوم حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود معروف بوده اند .

در قرآن داستان قوم ثمود در سوره های (اعراف: ۷۳-۷۹، هود: ۶۱-۶۸، ذاریات: ۴۳-۴۵، شعراء: ۱۴۱-۱۵۸، فصلت: ۶۶-۷۱، شمس: ۱۱-۱۵، نجم: ۵۱، قمر: ۲۳-۳۱، حاقه: ۴-۵، حجر: ۸۰-۸۴، فجر: ۶-۸ و اعراف: ۷۰-۷۳) وارد شده است و خداوند متعال در هر سوره ای که به بیان آیاتی در این رابطه می پردازد، گویی مطلب بسیار مهمی را می خواهد به مخاطبش منتقل نماید، چرا که گاهی یک مطلب را از زوایای گوناگون و به انحاء مختلفی بیان می کند، در این میان آیاتی وجود دارد که نشان می دهد قوم حضرت صالح علیه السلام همان قوم ثمود بوده اند . این مفهوم از داده هایی بدست آمده که یکی از آن موارد بیان می گردد.

داده مرتبط: كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ . إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند. هنگامی که صالح به آنها گفت: آیا تقوی پیشه نمی کنید؟ من برای شما فرستاده امینی هستم. (شعراء: ۱۴۱-۱۴۳)

۲-۳- مفهوم دوم : معجزه حضرت صالح علیه السلام خروج ناقه از دل کوه می باشد .

در آیاتی که در رابطه با قوم ثمود می باشد، هفت مرتبه از ناقه و بیست و شش بار از قوم ثمود نام برده شده است خداوند متعال حداقل در چهار سوره (اعراف: ۷۳-هود: ۶۴-شعراء: ۱۵۵-شمس: ۱۳) راجع به اعجاز الهی در رابطه با شتر حضرت صالح (علیه السلام) سخن می گوید. یکی از داده هایی که مستقیماً به معجزه بودن ناقه اشاره می کند ، آورده شده است:

داده مرتبط : « وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أََرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ » (اعراف: ۷۳) و به سوی (قوم) ثمود برادرشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او معبودی برای شما نیست، دلیل روشنی از طرف پروردگار برای شما آمده: این "ناقه" الهی برای شما معجزه ای است، او را به حال خود واگذارید که در سرزمین خدا (از عللهای بیابان) بخورد و آن را آزار نرسانید که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت!

۳-۳- مفهوم سوم : معروف بودن قوم ثمود به اصحاب الحجر

با فحص و بررسی آیات، دیده می شود، که خداوند متعال در یک جا ترکیب اصحاب الحجر را آورده است. برای فهمیدن مراد از «اصحاب الحجر» ، لازم است، آیاتی را در کنار هم قرار دهیم تا این موضوع برای ما روشن گردد. این مفهوم از داده های زیر به دست می آید :

داده مرتبط: « وَ لَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ وَ آتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ . وَ كَانُوا يَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً آمِنِينَ » (حجر: ۸۰-۸۲) اصحاب حجر، فرستادگان خدا را تکذیب کردند. ما آیات خود را برای آنها فرستادیم ولی آنها از آن روی گرداندند. آنها خانه های امن و امانی در دل کوه ها می تراشیدند.

اگر در اینجا تنها یک ویژگی آنها که در این آیات بیان شده است، را مورد بررسی قرار دهیم (وَ كَانُوا يَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً آمِنِينَ)، دیده می شود این ویژگی به همین شکل در دو آیهی اعراف: ۷۴ و شعراء: ۱۴۷ و با همین مضمون در آیه ۹ سوره فجر نیز آمده است.

داده مرتبط : در این آیات این ویژگی مربوط به قوم ثمود می باشد. «كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ وَ تَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً فَارِهِينَ.» قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند. شما از کوه ها خانه هایی می تراشید و در آن به عیش و نوش می پردازید. (شعراء: ۱۴۱ و ۱۴۹)

در تمام آیات بیان شده، خصوصیت مطرح شده یا عینا و یا مضمونا برای قوم ثمود بیان گردیده است و دلالت بر این دارد که ترکیب «اصحاب الحجر» نیز در اینجا باید در مقام توصیف قوم ثمود باشد، و به همین دلیل هم مفسرانی اتفاق نظر دارند که «اصحاب الحجر»، همان قوم ثمود هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۷۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۲۸).

۳-۴- مفهوم چهارم: قوم ثمود به مکان حجر وابستگی بسیار زیادی داشته‌اند.

این ملازمت و وابستگی از داده های زیر فهمیده می شود:

داده مرتبط؛ «اصحاب» جمع صاحب به معنی ملازم و همراه می باشد که این ملازمت می تواند با انسانی یا حیوانی یا مکانی باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۲) این بیان از معنای لغوی در کنار «حجر» و اینکه خداوند متعال نیز در هیچ جای دیگری به شکل مستقل نام «حجر» را نیاورده است، نشان دهنده ملازمت بسیار زیاد ثمودیان با ویژگی یا ویژگی های خاص این مکان می باشد. داده مرتبط؛ بررسی ترکیبات واژه‌ی «اصحاب» با یک مکان می تواند در فهم این مطلب یاری نماید: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (کهف: ۹) آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟!

اسناد (منابع تاریخی، جغرافیایی و حدیثی)	نتیجه‌گیری کلی	مفاهیم	مقوله میانی
(كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ... (شعراء: ۱۴۱-۱۴۳)	ثمود، قوم حضرت صالح(ع) بوده و در قرآن به صراحت به این ارتباط اشاره شده است.	ثمود به عنوان قوم صالح(ع) در قرآن معرفی شده است.	قوم حضرت صالح(ع) همان قوم ثمود است
داده اول- (هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ... (اعراف: ۷۳) - داده دوم؛ (وَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً... (اسراء: ۵۹)	ناقه معجزه‌ی اصلی حضرت صالح(ع) بود که به دستور خدا از کوه خارج شد و نشانه‌ای برای ثمود محسوب می شد.	ناقه (شتر ماده) به عنوان نشانه‌ی الهی و معجزه برای ثمود مطرح شده است.	معجزه حضرت صالح(ع) خروج ناقه از کوه بود
داده اول؛ (وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ) (حجر: ۸۰) داده دوم؛ تطابق با آیات دیگر (شعراء: ۱۴۹، اعراف: ۷۴) درباره‌ی ثمود	ترکیب «اصحاب الحجر» در قرآن به قوم ثمود اشاره دارد.	ترکیب «اصحاب الحجر» در قرآن به قوم ثمود اشاره دارد.	قوم ثمود به عنوان «اصحاب الحجر» شناخته می شوند
داده اول؛ تحلیل لغوی «اصحاب» (راغب اصفهانی) داده دوم؛ مقایسه با «اصحاب الکهف» (کهف: ۹)	ثمود به دلیل سکونت و معماری سنگی در حجر، به این منطقه وابسته بود و قرآن این ارتباط را تأیید می کند.	واژه‌ی «اصحاب» نشان دهنده‌ی ملازمت ثمود با حجر است.	ثمود وابستگی شدیدی به منطقه‌ی حجر داشتند

جدول ۲- کدگذاری باز و محوری مقوله اول

۴- مقوله دوم ؛ حجر نام شهری بین حجاز و شام بوده است.

داستان قوم ثمود در تورات نیامده، اما یافته‌های باستان‌شناسان وجود آنان را در مناطق شمالی شبه‌جزیره عربستان تأیید می‌کند، مفاهیمی که محل زندگی قوم ثمود را نشان می‌دهد شامل موارد زیر است :

۴-۱- مفهوم اول ؛ حجر اسم مکانی است:

داده‌هایی نشانگر آن است که حجر نام یک مکان است از جمله آنها؛

داده مرتبط؛ واژه «حجر» در ترکیب «اصحاب الحجر» به دلایلی در قرآن به مکانی اشاره دارد.

جغرافی‌دانان (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۸۵؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۸۴) و مفسران (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۳۵۱؛ ابوالفتوح

رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۹۹) معنای حجر را به معنای یک مکان به کار برده‌اند و این نشان از شناخته شده بودن مکانی به نام حجر دارد.

۴-۲- مفهوم دوم ؛ حجر نامی برای یک قریه

بعد از فحص و بررسی در احادیث تنها به یک حدیث بر می‌خوریم که می‌تواند اشاره به چگونگی منطقی حجر داشته باشد. و

نشان از قریه بودن این مکان دارد :

داده مرتبط؛ در حدیثی که راوی آن جابر بن عبدالله می‌باشد، می‌گوید: «هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از منطقه‌ی حجر در

غزوه تبوک می‌گذشتند، به یاران‌شان فرمودند: «لما مر النبي (صلی الله علیه و آله) بالحجر في غزوة تبوك قال لأصحابه: «لا يدخلن أحد

منكم القرية ولا تشربوها من مائهم ولا تدخلوا على هؤلاء المعذبين إلا أن تكونوا باكين أن يصيبكم الذي أصابهم» هیچ کسی از شما

داخل براین قریه نشوید و از آب آن ننوشید و از عذاب شدگان عبور نکنید مگر به حالت گریه که مبادا این عذاب بر شما نیز اصابت

نماید. « (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۷۴)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این منطقه را با نام «قریه» مورد خطاب قرار دادند. این حدیث در مکانی بیان شده است که مردم آن را به نام

حجر می‌شناختند علامه طباطبایی در این رابطه می‌فرماید: «اصحاب حجر عبارتند از قوم ثمود، یعنی قوم صالح پیغمبر و حجر اسم

شهری بوده که در آن زندگی می‌کرده‌اند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۸۵)

۴-۳- مفهوم سوم؛ منطقه مورد نظر بین حجاز و شام است:

وجود منطقه حجر ما بین حجاز و شام از داده‌های زیر بدست می‌آید،

داده مرتبط؛ اذعان، مورخین و جغرافی‌دانان بر آن است که؛ حجر نام یک مکان جغرافیایی است در جنوب شهر تیمه در راه شام و مدینه

که در گذشته یکی از مراکز مهم تجاری یه شمار می‌آمده (عرب، ۱۳۸۷، ص ۲۴۵) این منطقه محلی است بین حجاز و شام به طرف وادی

القری که قصر پادشاهان ثمود در آنجا بوده است. (عماد زاده، ۱۳۷۱، ص ۲۶۱) امروزه حجر را منطقه‌ای در شمال غربی عربستان، نزدیک

مدائن صالح در فاصله ۱۱۰ کیلومتری جنوب غربی تیما می‌گویند. بدویان ساکن این منطقه، نام «الحجر» را به دشتی هموار می‌گویند که

طول آن از شمال به جنوب سه کیلومتر و از مشرق به مغرب دو کیلومتر و در شمالی‌ترین نقطه‌ی مدائن صالح واقع شده است (بی‌آزار

شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸) «حجر که هنوز هم به همین نام معروف می‌باشد، حدود بیست و دو کیلومتری شمال شهر «العلا» واقع

است. امروزه وادی القری به نام «وادی العلا» خوانده می‌شود. (شراب، ۱۳۸۳، ص ۱۲۵) (پیوست ۱)

اسناد (منابع تاریخی، جغرافیایی و حدیثی)	نتیجه‌گیری کلی	مفاهیم	مقوله میانی
- جغرافی دانان: یاقوت حموی (معجم البلدان)، ابن بطوطه - مفسران: طوسی، ابوالفتح رازی	حجر نام منطقه‌ای شناخته‌شده در عربستان بوده که در منابع تاریخی و تفسیری به آن اشاره شده است.	واژه «حجر» در ترکیب «اصحاب الحجر» به یک مکان مشخص اشاره دارد.	۱. حجر نام یک مکان جغرافیایی است.
- حدیث جابر بن عبدالله (عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین) - تأیید علامه طباطبایی (المیزان)	حجر در زمان پیامبر (ص) به عنوان یک آبادی (قریه) شناخته می‌شد و با قوم ثمود مرتبط بود.	پیامبر (ص) در حدیثی از حجر به عنوان «قریه» نام برده‌اند.	۲. حجریک قریه (روستا/شهر کوچک) بوده است.
- منابع تاریخی: ابن خلدون، استخری - پژوهش‌های معاصر: شراب، بی‌آزار شیرازی - مکان‌یابی امروزی: شمال غرب عربستان (نزدیک مدائن صالح)	حجر منطقه‌ای مهم در شمال غرب عربستان بود که امروزه بقایای آن نزدیک شهر العلا (وادی القری) قرار دارد.	موقعیت جغرافیایی حجر در مسیر تجاری حجاز-شام و نزدیک وادی القری قرار داشت.	۳. حجر بین حجاز و شام واقع شده بود.

جدول ۳- کدگذاری باز و محوری مقوله دوم

۵- مقوله سوم؛ زیست بوم حجر با اعجاز ناچه ارتباط دارد.

ویژگی‌هایی که در شتر حضرت صالح علیه السلام بیان شده در بعضی احادیث به دقت تشریح گردیده است، از جمله در سخنی می‌فرماید: گفتند: «ای صالح از پروردگار خود بخواه در همین ساعت یک شتر ماده قرمز گلی رنگ پر کرکی که ده ماه از عمرش گذشته باشد و میان دو پهلویش یک میل راه باشد از این کوه برای ما بیرون آورد.» صالح فرمود: «چیزی خواستید که انجام آن برای من خیلی گران و بزرگ است ولی برای پروردگار عز و جل آسان است.» سپس آن را از خدای تعالی درخواست کرد به ناگاه کوه از هم شکافت و صدای مهیبی کرد که نزدیک بود هوش از سر آنها بپرد، آنگاه تکان سختی خورد مانند زنی که درد زائیدن او را گرفته باشد، و بلاد رنگ سر آن شتر از آن شکاف بیرون آمد و هنوز همگی گردنش بیرون نیامده بود که شروع به نشخوار کردن نمود، آنگاه باقی بدن آن شتر بیرون آمده سر پا ایستاد. مردم که این معجزه را دیدند گفتند: «ای صالح چه زود پروردگار تو خواسته‌ات را انجام داد اکنون از پروردگار خود بخواه که بچه این ماده شتر را هم بیرون آورد» صالح از خدای عز و جل درخواست کرد، و ناگاه دیدند که شتر بچه خود را بیرون انداخت و آن بچه بدور مادرش شروع به چرخیدن و جنبش کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۵، ص ۵۳۴) این شتر امتیازات منحصر به فردی داشت که ناقه‌الله نامیده شد، که این وجوه شامل:

الف- بدون تماس با شتری دیگر، حامله از دل کوه بیرون آمد و پس از خروج وضع حمل کرد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۸۷)

ب- بسیار بزرگ بود به صورتی که یک روز در میان، تمام آب شهر را می‌خورد و در عوض در آن روز به همگی آنان شیر می‌داد. (شعراء: ۱۵۵)

ج- از میان کوه سخت و سنگی خارج شد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۸۷)

در میان مفاهیم مورد بررسی از آیات قرآن، احادیث و تحقیقات موجود، داده‌هایی وجود دارد که می‌تواند علت وجود این امتیازات منحصر به فرد را در این اعجاز نشان دهد. و بررسی ویژگی‌های جغرافیایی منطقه حجر ما را به مفاهیم قابل توجهی رهنمون می‌نماید:

۱-۵- مفهوم اول؛ حجر منطقه‌ای کوهستانی است.

یاد کرد از ثمودیان در منابع باستانی، عمدتاً مربوط به فاصله زمانی بین قرن هشتم پیش از میلاد تا قرن دوم میلادی است (هارون یحیی، ۱۳۸۲، ص ۵۱؛ براندن، ۱۳۸۶، صص ۳۴-۳۶؛ آذرنوش، ۱۳۵۱، ص ۱۰۲) اما بر اساس منابع تاریخی مسلمانان، زمان نبوت حضرت صالح علیه السلام، مقدم بر پیامبری حضرت ابراهیم بوده (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۲۱۶؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۲۵۶؛ مسعودی، ۱۳۶۵، ص ۷۰) چرا که خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن که بیان کننده سخن حضرت شعیب (علیه السلام) با قوم خود می‌باشد، می‌فرماید: و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید و قوم لوط از شما چندان دور نیست. (هود: ۸۹) سخن حضرت شعیب (علیه السلام) به گونه‌ای است که از قوم خود می‌خواهد از اقوام قبلی عبرت گیرند، بنابراین باید قوم حضرت صالح (علیه السلام) به لحاظ زمانی قبل از حضرت شعیب (علیه السلام) بوده باشد. حضرت شعیب (علیه السلام) همزمان با حضرت موسی (علیه السلام) (قصص: ۲۵) و در حدود ۱۳۰۰ ق.م می‌زیسته‌اند (مجید زاده، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۲) بنابراین ۸۰۰ ق.م و بعد آن به نظر صحیح نمی‌باشد، اما به احتمال زیاد زمان زندگی قوم ثمود مورد خطاب در قرآن باید قبل از حضرت لوط (علیه السلام) نیز باشد زیرا در آیه‌ی مذکور حضرت شعیب (علیه السلام) به گونه‌ای می‌فرماید، که گویی قوم نوح و هود و صالح (علیهم السلام) نیز قبل از حضرت لوط (علیه السلام) هستند، که باید به زمانی حدوداً قبل از ۱۹۰۰ ق.م برگردد.

مقایسه‌ای بین متن تورات و متون به دست آمده از حفريات باستان شناسی نشان می‌دهد که مهاجرت حضرت ابراهیم و حضرت لوط (علیهم السلام) از «اور» به فلسطین می‌بایست در حدود ۱۸۵۰ ق.م. یا اندکی دیرتر رخ داده باشد (مجید زاده، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۲). البته این زمان با مضمون روایات نقل شده توسط مورخین مسلمان سازگارتر است زیرا روایات تاریخی هم نبوت حضرت صالح (علیه السلام) را مقدم بر نبوت حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌دانند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ص ۷۶) اما داده‌های بدست آمده از این منطقه نشان از کوهستانی بودن آن دارد:

داده مرتبط؛ در منابع تاریخی یا جغرافیایی در این باره آمده است: «اثالث بر وزن جمع، نام کوه‌هایی است در دیار ثمود، در حجر نزدیک وادی القری، آیه «وَتَجْتَوْنَ مِنَ الْجِبَالِ» از کوه‌ها، خانه‌های زیبا می‌کنند. درباره آن آمده است. کوه‌هایی است که از دور يك پارچه کوه دیده می‌شود ولی چون بیننده نزدیک آنها شود آنها را جدا می‌بیند و می‌تواند به گرد هر يك بگردد.» (حموی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۰) استخری گوید: «حجر دیه‌ی کوچک با شهروندانی اندک، بفاصله‌ی يك روز راه از وادی القری، میان کوهستان است که منازل ثمود در آنجا بوده است.» او (استخری) گوید: «من آنجا را دیدم خانه‌هایی همچون خانه‌های ما در دل کوه تراشیده بود» (حموی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۳) (پیوست ۲) حتی بر پایه روایتی از امام صادق علیه السلام این قوم صخره بزرگی را می‌پرستیدند و سالی یکبار اطراف آن گرد می‌آمدند و برایش قربانی می‌کردند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۸۷)

۲-۵- مفهوم دوم؛ مردم این منطقه مهارت بالایی در سنگ تراشی داشتند.

مهم‌ترین خصوصیتی که این مکان را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند، منطقه‌ای است که در آن خانه‌های سنگی توسط مردمانی که مهارت بالایی در سنگ تراشی داشته‌اند، ساخته شده است. این مفهوم از داده‌های زیر بدست می‌آید:

داده مرتبط؛ خداوند متعال به این خصوصیت در چهار آیه‌ی قرآن (اعراف: ۷۴- شعراء: ۱۴۹- حجر: ۸۲- فجر: ۹) به شکل مستقیم و غیر مستقیم اشاره می‌کند از جمله می‌فرماید: «وَتَنْجُتُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَبُوتًا فَاْرِهِينَ» شما از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید و در آن به عیش و نوش می‌پردازید. (شعراء: ۱۴۹)

«وَكَاُنُوا يَنْجُتُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَبُوتًا آمِنِينَ» آنها خانه‌های امن و امانی در دل کوه‌ها می‌تراشیدند. (حجر: ۸۲)

داده مرتبط؛ آنچه در بررسی منطقه حجر بسیار جلب توجه می‌نماید، علاوه بر وجود دشت‌ها و بیابان‌های بسیار وجود کوه‌هایی ویژه است که جغرافی دانان ([ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۱](#)) را همواره واداشته است در توصیف حجر بدانها اشاره کنند. وجود کوه‌های خاص و قابل تراشیدن منجر گردیده تا به گفته محققان ایجاد بناهای سنگی در میان ثمودیان رواج بسیار زیادی داشته باشد. ([برانندن، ۱۳۸۷، ص ۴۰](#)) (پیوست ۳)

داده مرتبط؛ کشف کتیبه‌های بیشمار سنگی؛ تحقیقات انجام گرفته در این زمینه که در مناطق مختلفی به خصوص در همین حوالی، انجام گرفته است، نشانگر وجود شهرت بسیار بالای مردم این منطقه در سنگ تراشی می‌باشد. کتیبه‌های بسیار زیادی از جنس سنگ از این منطقه یافت شده که بعضی از آنها تا کنون ترجمه شده و بعضی هم ترجمه نشده باقی مانده است. وان دن برانندن باستان‌شناسی که بر روی حدود چهار هزار متن از سنگ نگاشته‌های موجود از این مکان به بررسی و تحقیق پرداخته است، به وجود سیزده هزار سنگ نگاشته در این مکان که بعد از کاوشهای مختلف توسط محققین در سال‌های متعددی از تمامی عربستان مرکزی و شمالی به دست آمده است اشاره می‌نماید، ([برانندن، ۱۳۸۷، ص ۳۶](#)) و این جای بسیار تامل دارد که کمتر منطقه‌ای در روی زمین یافت شود و یا اصلاً یافت نشود که در آن این مقدار سنگ نگاشته وجود داشته باشد، چرا که معمول آثار باقی مانده، بر روی کتیبه‌های گلی می‌باشد، نظیر؛ بین النهرین، نه سنگی و این به واقع شاخصه‌ی بسیار مهمی است که خداوند حکیم از سرزمین حجر بیان می‌نماید.

داده مرتبط؛ وجود خانه‌های سنگی در توصیف جغرافی دانان؛ این سنگ تراشی فقط در ایجاد کتیبه‌های سنگی در این منطقه متوقف نمی‌گردد، بلکه هر یک از جغرافی‌دانانی ([ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۸۴؛ حموی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۳](#)) که به شکلی به توصیف حجر پرداخته است، حکایت از وجود خانه‌هایی از سنگ در این منطقه در دل کوه می‌نماید که هنوز هم باقی است و آنها را منسوب به قوم ثمود می‌دانند. (پیوست ۴)

۳-۵- مفهوم سوم؛ در بین مردم این منطقه شتر دارای اهمیت بسیار بالایی بوده است.

یکی از سوالاتی که مطرح می‌شود، این است، که چرا از بین همه‌ی امور اعجاز آمیز، خلقت یک شتر برای معجزه انتخاب گردید، آنهم با ویژگی‌ها و شرایط خاصی، در رابطه با اهمیت شتر در عربستان از گذشته‌های دور شواهدی وجود دارد که میتواند در فهم علت درخواست قوم ثمود تاثیرگذار باشد. با تحقیقی که در زندگی قوم ثمود انجام می‌گیرد، دلیل این مطلب به خوبی روشن می‌گردد. آثار تحقیقاتی انجام گرفته، نشان از اهمیت شتر در زندگی ثمودیان دارد، این مطلب، هم به طریق باستان‌شناسی و هم از طریق بررسی وضعیت جغرافیای انسانی این منطقه و هم از طریق احادیث قابل فهم است. اهمیت بالای شتر در این منطقه از داده‌های زیر بدست می‌آید:

داده مرتبط؛ از سنگ نگاشته‌ها و تصاویر بی‌شمار به جا مانده از آنها بر روی تخته سنگ‌ها، تعداد فراوان اسم‌هایی که به این حیوان داده‌اند و نام‌هایی که مشخص کننده‌ی سن، نژاد، نوع استفاده این حیوان است، فهمیده می‌شود، ([برانندن، ۱۳۸۷، ص ۷۵؛ جیسون، ۱۹۴۸، م](#)

ص ۲۶۹) مثلا برای شتر نر نام‌هایی، مانند؛ جمل، عِقِل، بَعی، رُبَاح، ابل و برای شتر ماده نام‌های ناقه، بگَره، مَرّی، ذُود، سَنَبَه، لقاح در متن‌ها آمده است.

داده مرتبط؛ تاریخ نگاران قائلند، شتر با همه‌ی موقعیت‌های صاحبش آمیخته بود، چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح. صاحب یک جمل احساس غرور می‌کرد. در متن‌های بسیاری درباره حرکات شتر نوشته‌اند. بیشتر درگیری‌ها به خاطر شتر بود، زیرا داشتن آن در ردیف بزرگ‌ترین آرزوها بود. راهزنان از هیچ فرصتی برای ربودن آنها غافل نمی‌گردیدند. در یکی از متن‌ها که پس از یک سرقت یا غارت، روی صخره‌ها حک گردیده است، محل شترهای دزدی شده را نشان می‌دهد. شترها را وقف خدایان می‌کردند و از آنها می‌خواستند که محافظت‌شان کنند، (براندن، ۱۳۸۷، ص ۷۵)

بدون وجود شتر، صحرا کاملا خالی از سکنه بود. برای بدوی، شتر هم غذا بود، هم وسیله نقلیه و هم اعتبار داد و ستد. مهریه عروس؛ خون‌بها، همه با شتر محاسبه می‌شد. شیر آن را به جای آب ذخیره می‌کردند، از گوشت آن استفاده می‌کردند، پوستش را می‌پوشیدند، از پشمش خیمه می‌بافتند، از پشگل او به عنوان سوخت استفاده می‌کردند، ادرارش را برای آرایش به کار می‌بردند و سر و صورت خود را با آن می‌شستند، بوی آن در موها باقی می‌ماند و همچون عطر به شمار می‌آمد و روی صورت لایه‌ای از چربی به وجود می‌آورد که در مقابل نیش حشرات مفید بود. (هیتی، ۱۹۵۰م، ص ۱۷) با توجه به بیان مطالب قوم ثمود در منطقه‌ای بین صحرا و کوهستان زندگی می‌کردند. به طور خاص، در «وادی القری» که بین مدینه و شام قرار دارد، نزدیکی مداین صالح (حجر) در دامنه‌های کوه اثلب نیز سکونت داشتند. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، ترکیبی از زمین‌های صحرایی و کوهستانی بوده است به همین دلیل شتر، که حیوانی است که در صحرا و بیابان کاربرد دارد برای قوم ثمود اهمیت پیدا کرده است.

۵-۴- مفهوم چهارم؛ اهمیت زیاد آب در این منطقه

داده مرتبط؛ با توجه به شاخه اقلیم‌شناسی که به طبقه‌بندی و پراکندگی انواع آب و هوا و نقش آن در عوامل محیط طبیعی به ویژه در مقیاس جهانی در علم جغرافیا توجه دارد. می‌توان به نکاتی در راستای اهمیت آب در این منطقه دست یافت. در منشا اولیه منطقه ثمود گفته‌اند که واژه ثمود زاییده کیفیت زمین این ناحیه است. واژه «ثمود» برگرفته از واژه «ثمد» به معنای آب کمی است که در زمین باقی می‌ماند که در زمستان ظاهر است و در تابستان از بین می‌رود (ابن منظور، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۵) و این با بیابان‌های اطراف مکه منطبق است. اهمیت وجود آب برای مردم این منطقه را از اسم‌های خاص «آب باریکه»، «جریان آب»، «چشمه‌ی کم آب»، «باران ریز» و داشتن حرفه‌ای تخصصی برای حفر چاهها و دیگر اسم‌هایی از این قبیل که نشانه وابستگی آنها به آب و اهمیتی است که برای آن قایل بودند، میتوان فهمید. آنها برای باریدن باران به خدایانشان متوسل می‌شدند. در متن‌های ثمودی این باران‌ها موضوع بسیاری از دعاهاست (براندن، ۱۳۸۷، ص ۶۹).

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که با وجود کوهستانی بودن منطقه چرا آب اهمیت دارد؟! در حالی که در کوهستان باید چشمه‌ها و ... در جریان باشد! پاسخ این است که با وجود موقعیت کوهستانی حجر، به دلیل شرایط خاص زمین‌شناسی و اقلیمی، با کم‌آبی مواجه بوده است. این کم‌آبی به عوامل متعددی برمی‌گردد، از جمله نوع سنگ‌ها، ساختار زمین‌شناسی منطقه، و الگوهای بارندگی و تبخیر زیاد آب. نوع کوه‌ها و ساختار زمین‌شناسی آن‌ها باعث شده است که کوه‌ها نتوانند به طور موثری آب را ذخیره کنند و به تأمین آب پایدار در منطقه کمک کنند. در واقع، کوه‌ها به جای ذخیره آب، بیشتر به عنوان عاملی برای هدایت آب به سمت لایه‌های زیرین عمل

کرده‌اند. در واقع کم‌آبی منطقه ثمود ناشی از ترکیبی از عوامل زمین‌شناسی، اقلیمی و ساختاری است که باعث می‌شود آب به سرعت از دسترس خارج شده و ذخایر آب زیرزمینی به اندازه کافی تغذیه نشوند.

۵-۵- مفهوم پنجم، اعجاز «ناقه» و نوع عذاب با یکدیگر مرتبط می‌باشند.

با بررسی آیات مربوط به نزول عذاب بر قوم ثمود مشاهده می‌شود خداوند متعال در بیان چگونگی عذاب از سه واقعه (صیحه، صاعقه، رجفه) (اعراف: ۷۸-هود: ۶۷ و ۶۸-فصلت: ۱۷ و ۱۸) در یک‌جا استفاده کرده است. حال سوال اصلی این است که چه ارتباطی بین نوع عذاب و اعجاز الهی در خروج شتر از کوه وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال به نظر می‌رسد ویژگی‌های جغرافیایی حجر باز می‌تواند کمک‌کننده باشد، این ارتباط از داده‌های زیر قابل برداشت است:

داده مرتبط؛ «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا» (شمس: ۱۴). ولی آنها او را تکذیب نمودند و ناقه را پی کردند و به هلاکت رساندند، لذا پروردگارش آنها را به خاطر گناهی که مرتکب شده بودند به یکسان عذابشان کرد. مراد از کلمه به یکسان عذابشان نمود چیست؟ در میان اقوام دیگر نیز عذابهایی صورت گرفته است و با وجود اینکه عذاب برای همه یکسان بوده است از این کلمه استفاده نگردیده است. کلمه «فَسَوَّاهَا» به چه معناست؟

داده مرتبط؛ شاخصه‌ی اصلی منطقه‌ی حجر کوهستانی بودن آن می‌باشد و مهارتی که به این قوم داده شده بود و در زمان و مکان خودش بی نظیر بود، تراشیدن این کوه‌های سخت بود و از طرفی وقتی تکذیب امر الهی گردید و معجزه الهی (که نزول شتر از همین کوه-های سخت بود) کشته شد، حجت بر آنها تمام گردید و عذابی در همین خانه‌های سخت و سنگی بر آنها ایجاد شد اما خدای متعال در رابطه با نوع عذابی که در قرآن مطرح گردیده است، بیش از همه از لفظ صیحه استفاده گردیده است. صیحه به معنای صوت می‌باشد اما لزوماً به معنای صوت قابل شنیدن نیست، به این امواج صوتی که غیر قابل شنیدن هستند، امواج زیر صوتی می‌گویند که می‌تواند از زلزله‌هایی داخلی که به سطح زمین نرسیدند بوجود بیاید. این امواج معمولاً داخل کوهها شدت و لرزش بیشتری به خود می‌گیرند، به همین خاطر اگر مدت طولانی استمرار داشته باشند بسیار مرگبار خواهند بود (الناظر، ۲۰۲۵، ص ۸)

شبیبه به عملی که اسلحه صوتی ایجاد می‌نماید. به همین دلیل خانه‌های آنها خراب نگردیده و جسم بی‌جانشان طبق آیات قرآن باقی مانده است. بنابراین در جمله «فسویها» ظاهراً ضمیر به ثمود برمی‌گردد و معنای جمله این است که این قبیله با خاک یکسان شدند، نه خانه‌های آنها (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۲۱۹) قوم ثمود بسیار به این خانه‌های سنگی تکیه داشتند و به تسمخر عذاب و طرد پیامبر خود می‌پرداختند اما خدای متعال به آنها نشان داد از همان صخره سنگی که اعجاز الهی به صورت شتر بیرون آمد، می‌تواند اعجاز دیگری رخ دهد و به گونه‌ای عذاب بر آنها وارد شود که آن‌ها هلاک شوند.

اسناد (منابع تاریخی، جغرافیایی و حدیثی)	نتیجه‌گیری کلی	مفاهیم	مقوله میانی	مقوله محوری
متابع تاریخی (استخری) منابع جغرافیایی (یاقوت حموی) روایتی امام صادق علیه السلام	حجر قریه‌ای، بفاصله‌ی یک روز راه از وادی القری، میان کوهستان است.	یاد کرد از نمودیان در منابع باستانی، نشان از کوهستانی بودن آن دارد.	حجر منطقه‌ای کوهستانی است.	
-آبات «وَوَجَّحْنَاهُ مِنَ الْجِبَالِ يَوْتًا فَارِهِينَ». (شعراء/۱۴۹) -منابع باستان‌شناسی (وان دن براندن)	سیزده هزار سنگ نگاشته در این مکان به دست آمده است.	مهم‌ترین خصوصیت متمایزکننده این مکان خانه-های سنگی توسط مردمانی است که مهارت بالایی در سنگ تراشی داشته‌اند.	مردم این منطقه مهارت بالایی در سنگ تراشی داشتند.	ویژگی‌های جغرافیایی منطقه

منابع باستان شناسی (تصاویر بدست آمده) (وان دن براندن) منابع تاریخی	تصاویر بی شمار به جا مانده بر روی تخته سنگها، تعداد فراوان اسم هایی که به شتر داده اند و نام هایی که مشخص کننده ی سن، نژاد، نوع استفاده این حیوان است.	. آثار تحقیقاتی انجام گرفته، نشان از اهمیت شتر در زندگی ثمودیان به طریق باستان شناسی و وضعیت جغرافیای انسانی و احادیث است.	در بین مردم این منطقه شتر دارای اهمیت بسیار بالایی بوده است.	حجر با اعجاز ناقه ارتباط دارد .
تحقیقات تاریخی و جغرافیایی (اقلیم شناسی)	اسم های خاص «آب باریکه»، «جریان آب» «چشمه ی کم آب» «باران ریز» بسیار زیاد است.	داشتن حرفه ای تخصصی برای حفر چاهها و دیگر اسم هایی از این قبیل که نشانه وابستگی آنها به آب است.	اهمیت آب در این منطقه زیاد بوده است.	
«فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ - فَسَوَّاهَا» (شمس/۱۴)	ولی آنها او را تکذیب نمودند و ناقه را پی کردند و به هلاکت رساندند...	خداوند متعال در بیان چگونگی عذاب از سه واقعه (صیحه، صاعقه، رجفه) در یک جا استفاده کرده است.	اعجاز «ناقه» و نوع عذاب با یکدیگر مرتبط می باشند.	

جدول ۴- کدگذاری باز و محوری مقوله سوم

نتیجه گیری

معجزات پیامبران کارهای خارق العاده ای بوده است که پیامبران آنها را برای اثبات راستی ادعای خود ارائه مینمودند، پژوهشهای انجام گرفته نشان از آن دارد که عوامل مختلفی در نوع اعجازهای الهی موثر می باشد که از جمله مهمترین آنها عوامل جغرافیای طبیعی و یا انسانی است. یکی از معجزاتی که در قرآن چندین بار مورد تاکید قرار گرفته معجزه حضرت صالح علیه السلام در بیرون آوردن ناقه از شکم کوه میباشد. در کدگذاری باز و بررسی آیات و نیز تحقیقات و گزارشات صورت گرفته مرتبط با موضوع، متوجه وجود آیات متعددی به صورت مستقیم و غیر مستقیم با مقوله وجود ارتباط زیست بوم حجر با نوع اعجاز می گردیم. با بررسی این داده ها در کدگذاری محوری، مفاهیم مشترک در میان آنها شناسایی و سه مقوله محوری استخراج گردید. در بررسی داده های مقوله سوم فهمیده می شود، حجر منطقه ای کوهستانی است و مردم این منطقه مهارت بالایی در سنگ تراشی داشته اند، به طوری که بیشترین سنگ نگاشته ها مربوط به آن دوران از این سرزمین بدست آمده است. از طرفی در بین مردم این منطقه شتر دارای اهمیت بسیار بالایی بوده است. علاوه بر اینکه اهمیت زیاد آب در این منطقه به خوبی از طریق داده های موجود مشهود است. پدیده محوری ارتباط اعجاز های الهی با ویژگی های جغرافیایی منطقه حجر نشان می دهد، انتخاب نوع اعجازی خاص متناسب با ویژگی هایی نظیر انتخاب شتر، و خروج آن از دل کوههای سخت می باشد. پدیده هسته ای به خوبی می تواند موجب آشکارتر گردیدن اسرار و بطون الهی و تبیین بیشتر فرازمانی بودن قرآن بگردد. به گونه ای که عده ای با فهم اعجازهای علمی قرآن در گرایشات مختلف از جمله علم جغرافیا می توانند متوجه گردند که هر چه علم پیشرفت نموده، رازهایی بیشتری از آیات قرآن آشکار گردیده و این دقت در بیان امور فقط در قرآن وجود دارد.

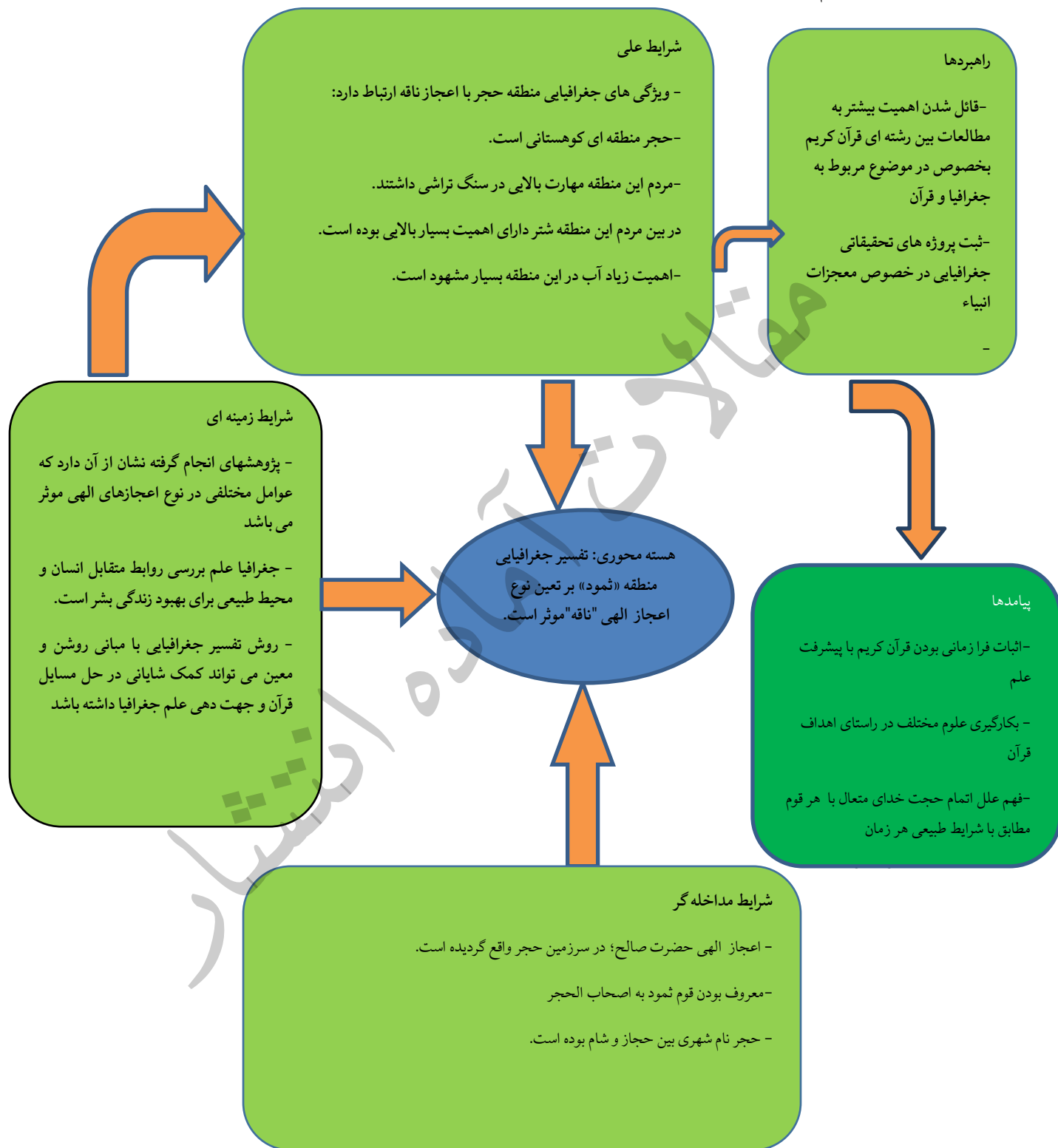


پیوست ۱- نقشه ۱- نشان دادن موقعیت «حجر» بین دو منطقه حجاز و تبوک یا حجاز و شام- تهیه شده از google earth



پیوست ۲- تصویر ۱- نحوه‌ی قرار گرفتن کوهها در منطقه‌ی بیابانی در حجر در عکس ماهواره‌های Google ersgh تهیه شده از

شکل ۱- ترسیم پدیده محوری و مقولات مرتبط



ملاحظات اخلاقی پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن بطوطه، شمس الدین. (۱۳۷۶). رحله ابن بطوطه (تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار)، نشر آگه.
- ابن جوزی، ابی الفرج. (۱۹۹۲م). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. نشر محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب. دار صادر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، محققان). بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- اصطخری، ابواسحاق. (۲۰۰۴م). مسالك الممالک. دار صادر.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۵۱). نگاهی به تاریخ قوم ثمود. مقالات و بررسیها، (۴)، ۳۰-۶۳.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. بنیاد بعثت.
- براندن، ون دن. (۱۳۸۷). باستان شناسی قوم ثمود (سید محمد حسین مرعشی، مترجم). نگاه معاصر.
- بی آزار شیرازی، عبد الکریم. (۱۳۸۰). باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حموی بغدادی، یاقوت. (۱۳۸۳). معجم البلدان. سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خاتمی، سید جواد؛ سیده سمیه، سید مرتضی. (۱۴۰۱). تفسیر تربیتی آیات سینایی در قرآن کریم. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، (۲)، ۳۵۸-۳۷۸.

<https://doi.org/10.22034/ksiu.2022.1090>

خاتمی، سیده سمیه. (۱۴۰۲). کرسی نوآوری «تأثیر علم جغرافیا بر عصری نگری فهم با نگاهی ویژه به اماکن نامبرده در قرآن، شورای عالی انقلاب فرهنگی کرسی‌های نظریه‌پردازی نقد و مناظره.

حاج منوچهری، فرامرز. (۱۳۹۸). دانشنامه بزرگ اسلامی، مقاله ثمود. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. دار القلم.

رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۸). منطق تفسیر قرآن ۵ (قرآن و علوم تجربی و انسانی). انتشارات بین المللی جامعه المصطفی.

شراب، محمد حسن. (۱۳۸۳). المعالم الأثرية فی السنة و السيرة (حمیدرضا شیخی، مترجم). نشر مشعر.

شکویی، حسین. (۱۳۸۷). فلسفه جغرافیا. دانشگاه پیام نور.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (فضل الله طباطبایی، مترجم). ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الامم و الملوک (محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق). دارالترتیب.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (احمد حبیب عاملی، مصحح). دار احیاء التراث العربیه.

عرب، محمد حسن. (۱۳۸۷). دانشنامه اماکن جغرافیایی در قرآن. فرهنگ مکتوب.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین. انتشارات اسماعیلیان.

عماد زاده، حسین. (۱۳۷۱). تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم. انتشارات اسلام.

عباشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). کتاب التفسیر (التفسیر العیاشی). چاپخانه علمیه.

قطب راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۳۰ ق). قصص الانبیاء علیهم السلام. مكتبة العلامة المجلسی.

کلیتی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصححان). دارالکتب الاسلامیه.

مجید زاده، یوسف. (۱۳۷۶). تاریخ و تمدن بین النهرین. مرکز نشر دانشگاهی.

مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۵). التنبیه و الاشراف (عبدالله اسماعیل صاوی، مصحح). مؤسسه نشر منابع الثقافة الاسلامیه.

المسعودی، أبو الحسن. (۱۴۰۹ ق). مروج الذهب و معادن الجوهر (اسعد داغر، محقق). دار الهجرة.

الناظر، رنا داود. (۲۰۲۵ م). اعجاز علمی در صوت و هلاک قوم ثمود.

<https://islamqt.com/fa/print-article.php?pid=373>

هاشمی، عبدالمنعم. (۱۳۸۴). چشم اندازی به معجزات پیامبران (از منظر قرآن و تاریخ) (سیدرضا اسعدی، مترجم). ناشر کردستان.

یحیی، هارون. (۱۳۸۲). اقوام هلاک شده (مژگان دستوری، مترجم). شرکت انتشارات کیهان.

Mohammadpour, A, Rezaei, M. (2008). Semantic Understanding the Consequences of the Entry into the Region of Orman of the

Kurdistan of Iran in the Field of Research. Iranian Journal of Sociology, 9

Jaussen, A. et Savignac, R. (1920). Mission archeologique en Arabie, Publication de la Socié té des fouilles arché ologiques

Hitti, (1950). Precis d,histoire des Arabes ,trad.franc.de M.Planiol

۱- لازم به ذکر است بیان گردد، برخی از مولفان معاصر آثار بجا مانده از قوم ثمود در منطقه حجر را مقبره‌های قوم نبطی می‌دانند، نه قوم ثمود

(براندن، ۱۳۸۷، ص ۷۵) (اما با توجه به چند نکته می‌توان گفت، این خانه‌ها متعلق به قوم ثمود است:

الف: مطابقت با آیه‌ای از قرآن که می‌فرماید: « وَ عَاداً وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ » (عنکبوت: ۳۸) ما طایفه عاد و ثمود را نیز هلاک کردیم، و مساکین (ویران شده) آنها برای شما آشکار است، شیطان اعمالشان را برای آنها زینت کرده بود، لذا آنان را از راه بازداشت در حالی که می‌دیدند.

ب: مطابقت با حدیثی از پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله)، ایشان در هنگام حضور در «حجر» می‌فرمایند: «بر سراهای این ظالمان وارد نشوید.» (عباشی، ۱۳۸۰؛

ج ۲، ص ۶۳۱)

ج: بسیاری از جغرافی‌دانان در طول تاریخ به وجود این خانه‌ها و منسوب بودنشان به قوم ثمود اشاره کرده‌اند، (المسعودی، ۱۴۰۹ ق، ص ۴۰۵)

این دلایل نشان از آن دارد که خانه‌های آنها خراب نگردیده‌اند و آن مکان‌های سنگی هنوز به جا مانده است.